

جرائم مالی شرکتی از گونه شناسی تا علت شناختی

حسام قبانچی

عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

حمیدرضا دانش ناری¹

دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید

بهشتی

ناهید موسوی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

تاریخ دریافت: 1392/2/9 تاریخ پذیرش: 1393/2/15

چکیده

شرکت‌های تجاری نقش کلیدی در شکوفایی اقتصادی و پویایی نظام رقابت تجاری دارند. از این رو، در عصر دهکده جهانی و نظام اقتصادی باز، رقابت‌های مالی شرکت‌ها، جایگزین تعارض‌های نظامی گشته است. بر این اساس، اتخاذ راهبرد کسب حداکثر سود توسط شرکت‌ها موجب پیدایش پدیده‌ای نوظهور به نام جرم شرکتی در پهنه عدالت کیفری گشته است. تحقیق حاضر که به بررسی گونه و علت‌شناسی جرائم شرکتی می‌پردازد، با توجه به اهداف آن، از نظر نوع تحقیق کاربردی و از منظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی - تحلیلی است. مطالب این پژوهش به روش کتابخانه‌ای با استفاده از منابع تألیفی به زبان انگلیسی، کتاب‌ها و مقالات تألیفی و ترجمه‌ای و بررسی قوانین مدون داخلی نگاشته شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد حوزه جرائم مالی شرکتی بسیار گسترده است. بر اساس نتایج این مطالعه، جاسوسی اقتصادی، کلاهبرداری شرکتی، فرار از مالیات، تبانی در تعیین قیمت‌ها، حساب‌سازی‌های ناروا و تبلیغات گمراه‌کننده برخی از گونه‌های جرائم مالی شرکتی به شمار می‌روند. مهم‌ترین رویکردها در جرم‌شناسی جرائم شرکتی نیز عبارت‌اند از: فرهنگ جرم‌زای شرکتی، نظریه فشار اقتصادی و نظریه انتخاب عقلانی.

کلیدواژه‌ها: جرائم شرکتی، حساب‌سازی ناروا، فرهنگ جرم‌زای شرکتی، تبانی در تعیین قیمت‌ها.

درآمد

مفهوم جرم شرکتی¹ به مثابه گونه‌ای نوین از جرائم یقه‌سفیدان² اصطلاحی است که از دهه- 1970 میلادی و در پی ظهور گفتمان جرم‌شناسی انتقادی³ حیات نوینی یافت. پیشگام نظریه جرائم یقه‌سفیدان، ادوین ساترلند⁴، با انتشار کتاب جرائم یقه‌سفیدان، به برخی جلوه‌های نهان بزهکاری اشاره نموده است. از دید ساترلند، این جرائم، بزه‌هایی هستند که به واسطه اشخاص قابل احترام و دارای جایگاه اجتماعی بالا در گفتمان شغلی (سازمانی) ارتکاب می‌یابند (Shover, 1998, 134). در فرهنگ حقوقی بلک⁵ نیز در تعریف جرائم یقه‌سفیدان آمده است: این اصطلاح معمولاً بیانگر قانون‌شکنی‌هایی است که به اعتبار سوءاستفاده از اعتماد و اطمینان و حرفه شخص بزهکار انجام می‌شوند. این جرائم عموماً فاقد وصف خشونت‌بار هستند. (Black, 1990) دیوید ملکن⁶ نیز جرائم یقه‌سفیدان و جرائم شرکتی را از آن جهت که فاقد وصف خشونت‌بار هستند و از نیروی جسمانی در ارتکاب این جرائم استفاده نمی‌شود، جرائم فسفری می‌نامد (Melken, 2002, 844). در نهایت می‌توان گفت که جرائم یقه‌سفیدان، مجموعه اعمال مجرمانه‌ای است که در انجام فعالیت حرفه‌ای با هدف کسب منفعت، توسط افرادی که از موقعیت تصمیم‌گیری، مشورت‌دهی، مشارکت یا مذاکره برخوردارند، به نفع شرکت یا نفع خاص خود یا ضرر سایر افراد یا شرکت‌ها، ارتکاب می‌یابد. (gasan, 2013, 132)

جرایم شرکتی به‌عنوان مفهومی نوپدید در حوزه مباحث جرم‌شناسانه، بسترهای مختلفی را شامل می‌شود. مور⁷ معتقد است، جرائم شرکتی شامل رفتارهای مجرمانه شرکتی و رفتارهای جنایی ارتكابی در محیط شرکت‌های تجاری است. (Moohr, 2007, 26) گزاره اول ناظر بر فرضی است که شرکت‌ها، مرتکب رفتارهای مجرمانه می‌گردند و گزاره دوم ناظر بر حالتی است که جرائمی در بسترهای شغلی یک شرکت توسط کارگران آن شرکت ارتکاب یابند؛ مثل قتل

1-Corporate Crime.

2- White collar crime.

3- Critical criminology.

4- Edwin Sutherland.

5- Black.

6- David Melkin.

7- Moohr.

شرکتی. جان بریث ویت¹ نیز معتقد است جرم شرکتی رفتار مجرمانه شرکت یا کارکنان آن است و قابل رسیدگی حقوقی یا کیفری می‌باشد. از نگاه وی، این رسیدگی الزاماً رسیدگی کیفری نیست، بلکه ضمانت اجرای اداری و مدنی را نیز در بر می‌گیرد. (Moohr, 2007, 28) در دایره المعارف جرائم یقه سفیدان نیز جرم شرکتی چنین تعریف شده است: نقض قوانین توسط کارگران یا شرکت‌ها. (Gerber & Jensen, 2007, 54) بنابراین می‌توان جرائم شرکتی را به مثابه مصداق اتم و اکمل جرائم یقه سفیدان چنین تعریف کرد: اعمال غیر قانونی شرکت‌های تجاری یا کنش‌گران شرکتی در بسترهای شغلی که تحت نظام ضمانت اجرای کیفری قرار می‌گیرند.

جرائم شرکتی به دلایلی چون رؤیت‌ناپذیری بالا، گستره بزه‌دیدگی فراوان، اثرات مخرب بر نظام سیاسی و اقتصادی، ارتباط با جرائم یقه سفیدی، دولتی و سازمان یافته، امروزه به بخشی از جذاب‌ترین مباحث جرم‌شناسانه تبدیل شده است. جرائم شرکتی علاوه بر آن که زاییده جرم-شناسی انتقادی است، از موضوعات مورد علاقه متخصصان این حوزه نیز به شمار می‌رود. به باور اندیشمندان این حوزه، بسیاری از نخبگان سیاسی و شرکت‌ها "بزه‌کاران صاحب‌منصب امین" اند. آنچه می‌چالوووسکی، بیست سال پیش به آن اشاره کرد، امروزه نیز درست است: "جرائم شرکتی گسترده‌ترین و پرهزینه‌ترین شکل جرم در آمریکا است". این گفته در مورد این جرائم در دیگر نقاط جهان از جمله کانادا و انگلستان نیز صحیح است. به عنوان مثال، برخی جرم‌شناسان بر اساس مرور نوشتگان موجود خشونت شغلی، نرخ مرگ‌های ناشی از شرایط ناامن کاری را بیش از شش برابر میزان مرگ ناشی از جرائم خیابانی و میزان خشونت‌های نامهلک در فضاهای کاری را سی برابر بیش از میزان تعرض‌های خشونت‌بار خیابانی تخمین می‌زنند. (dekeserredy, 2013, 116)

این شواهد، از مهم‌ترین دلایل پژوهش در حوزه جرائم شرکتی به شمار می‌روند.

از آنجاکه از یک سو، عمده جرائم شرکتی توسط شرکت‌های تجاری ارتکاب می‌یابند و از سوی دیگر پیامدهای این دسته از جرائم بر نظام اقتصادی بسیار فراوان می‌باشد، هدف این پژوهش بررسی جرائم مالی توسط شرکت‌های تجاری است. متأسفانه در ادبیات حقوق کیفری و جرم‌شناسی ایران تاکنون به حوزه جرائم مالی شرکتی توجه چندانی نشده است. دلیل اصلی

1- John Braithwaite.

انتخاب این موضوع نیز آشنایی هر چه بیشتر متخصصان حقوقی کشور با این جرائم است. در این پژوهش پس از بیان روش تحقیق (گفتار نخست)، گونه شناسی جرائم مالی شرکتی بررسی می‌شود (گفتار دوم)، سپس علت شناسی این جرائم تحلیل می‌شود (گفتار سوم) و نهایتاً برآمد حاصل از این نوشتار ارائه می‌شود.

گفتار نخست؛ روش تحقیق

با توجه به موضوع مورد نظر و ضرورت اتخاذ تصویری جامع و گسترده در مورد موضوع پژوهش حاضر، نوع تحقیق، کاربردی است. در این پژوهش، علاوه بر آن که بیان مبانی نظری گونه و علت شناسی جرائم شرکتی، ایده‌ای نو به شمار می‌رود، در نظام عدالت کیفری نیز دارای کارکرد می‌باشد؛ زیرا آشنایی کارگزاران کیفری با این جرائم، نه تنها واکنش‌های آنان را در قبال جرائم شرکتی متناسب می‌کند، بلکه موجب رعایت سیاست جنایی دانش‌بنیان در قبال این جرائم می‌شود. روش گردآوری داده‌ها نیز توصیفی - تحلیلی از نوع کیفی است. در این روش، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله می‌پردازد. از این رو، ابتدا موضوع تحقیق که از برخورد با موقعیت مسئله‌ای حاصل می‌گردد، مطرح می‌شود. پس از بیان موضوع تحقیق و با نگرش به نوع پژوهشی که باید انجام شود، اطلاعات لازم در مورد موضوع تحقیق گردآوری می‌گردد. در نهایت، بر اساس داده‌های موجود، مسئله مورد نظر مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. بر همین اساس، نگارندگان با استفاده از منابع تألیفی به زبان انگلیسی، کتاب‌ها و مقالات تألیفی و ترجمه‌ای و بررسی قوانین مدون داخلی، داده‌های مورد نیاز را گردآوری کردند. برای جمع‌آوری اطلاعات موجود در این زمینه، با استفاده از روش نمونه-پژوهی، رویکردهای تطبیقی مورد توجه خاص قرار گرفت. از سوی دیگر، جهت تبیین مفاهیم نظری مورد استفاده از منابع کتابخانه‌ای، با تعدادی از پژوهشگران و کنشگران اقتصادی آشنا به مبانی علمی و تجربی جرائم شرکتی، مصاحبه‌هایی صورت گرفت. بر این اساس، با 4 دکتر در رشته‌های حسابداری و اقتصاد، 3 تن از مدیران شرکت‌های تجاری در شهر مشهد و 4 حسابرس رسمی در شهرهای تهران و مشهد، مصاحبه‌های عمیقی به عمل آمد. از آنجا که یکی از اصول اخلاقی در روش مصاحبه، محرمانه بودن اعضای جامعه آماری است، از ذکر نام این افراد خودداری می‌کنیم. گفتگوی میان مصاحبه‌کننده‌ها و مصاحبه‌شونده‌ها در جلسات مختلف

یادداشت‌برداری و سپس توسط نویسندگان، با منابع کتابخانه‌ای تطبیق داده و جهت تبیین موضوعات مربوط، تحلیل شد.

گفتار دوم؛ گونه‌شناسی جرائم مالی شرکتی

رویکردهای اقتصادمحور جرائم مالی شرکتی را می‌توان در دو محور اساسی بررسی کرد: جرائم اقتصادی¹ و رویه‌های تجاری ناعادلانه². جرائم اقتصادی ناظر بر جرائم متعارفی است که توسط شرکت‌ها ارتکاب می‌یابند، اما رویه‌های تجاری ناعادلانه (جرائم حوزه حقوق رقابت) جرائم جدیدی هستند که موضوع آن‌ها نفی رویه‌های تجاری پذیرفته شده در عرصه اقتصاد است. از این رو رویه‌های تجاری ناعادلانه در بستر روابط شغلی تجاری ارتکاب می‌یابند؛ حال آن‌که ارتکاب جرائم اقتصادی خارج از روابط شغلی نیز قابل تصور است. جهت تبیین بهتر موضوع، در این گفتار به گونه‌شناسی جرائم مالی شرکتی با تکیه بر جرائم اقتصادی و رویه‌های تجاری ناعادلانه می‌پردازیم.

مبحث نخست؛ جرائم اقتصادی

جرائم اقتصادی، از یک سو، به مثابه دغدغه زندگی مدرن، به یکی از چالش‌های نظام‌های عدالت‌کیفری تبدیل شده است و از سوی دیگر، رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات در کنار پدیده جهانی شدن، به رشد روزافزون این جرائم کمک کرده است. به اعتقاد برخی از متخصصان این حوزه، جرم اقتصادی گستره فراوانی دارد و تعریف آن، به سادگی امکان‌پذیر نیست. (bhusal, 2009, 8) به زعم برخی دیگر، جرائم اقتصادی به طیفی گسترده از رفتارهای غیرقانونی بر ضد نظام اقتصادی گفته می‌شود که عموماً مصادیق آن بسته به نوع نظام اقتصادی و حتی گونه حاکمیتی، متفاوت است. بعضی دیگر، بر این باورند که این جرائم در اصطلاح عبارت‌اند از جرائمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند. (saki, 2010, 25) بر این اساس، در قلمروی جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی، جرم

1- Economic offences.

2- Unfair trade practices.

اقتصادی با تعاریف مختلفی همراه بوده است و بر مبنای این معیارهای مختلف، تعاریف متفاوتی ارائه شده است. قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، بدون تعریف جرم اقتصادی، با برشماری برخی از عناوین مجرمانه، این اعمال را از مصادیق جرائم اقتصادی دانسته است. بر اساس ماده 36 قانون فوق‌الذکر، جرائم اقتصادی عبارت‌اند از: "رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ بر خلاف حق، مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت، تعدیات مأموران دولتی، جرائم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرائم مالیاتی، پولشویی، اختلال در نظام اقتصادی و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی". گرچه برشماری جرائم اقتصادی در قانون جدید، نوعی ابتکار به شمار می‌رود، اما به نظر می‌رسد که توجه مقنن در تعریف جرائم اقتصادی، معطوف به جرائم اقتصادی کارگزاران حکومتی و عدم توجه به جرائم اقتصادی شرکت‌ها بوده است؛ زیرا جرائمی دیگر همچون جرائم علیه حقوق مصرف‌کننده، سرقت اسرار تجاری و ... که در بطن شرکت‌های تجاری ارتکاب می‌یابند، نیز در زمره جرائم اقتصادی هستند. با وجود این، جرائم اقتصادی شرکت‌ها، به سه نوع مهم تقسیم می‌شود: جاسوسی صنعتی، اقتصادی، کلاهبرداری شرکتی و فرار از مالیات که در ادامه به معرفی و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

بند اول: جاسوسی صنعتی، جاسوسی اقتصادی¹

انقلاب صنعتی، رشد اقتصادی و پدیده جهانی شدن موجب شکوفایی حقوق مالکیت‌های فکری گشته است، اما تهدید جدی علیه خلاقیت‌های ذهنی، جاسوسی‌های صنعتی - اقتصادی (سرقت اسرار تجاری) از طریق فناوری‌های نوین، اینترنت و فرایندهای مصنوعی است. امروزه جاسوسی صنعتی - اقتصادی تبدیل به یک تجارت معمول و سودآور شده است. اهمیت این جرائم تا بدان جاست که جاسوسی صنعتی - اقتصادی را به‌عنوان خط مقدم نوین معرفی می‌نمایند (Nasheri, 2005, 20). راهبرد «اطلاعات به‌مثابه قدرت»² نیز موجب شده تا اطلاعات تجاری - صنعتی آماج جاسوسی‌های مختلف قرار گیرند. به همین دلیل شیوه‌های حفظ و نگهداری اسرار

1- Economical spying and Industrial espionage.

2-Information as power

تجاری¹ به دغدغه شرکت‌های بزرگ تبدیل گشته است. شرکت‌های تجاری به‌عنوان کنش‌گران اقتصاد جهانی، با تبادل کالا و خدمات در سطح جهان، در فعالیت‌های تجاری جهانی شرکت می‌نمایند، اما همواره بیم آن را دارند که محصولات، طرح‌ها و اطلاعات آنان آماج جاسوسی‌های صنعتی - اقتصادی قرار گیرد.

بر اساس آمار FBI در ابتدای سال 1996 تقریباً 800 پرونده در خصوص جاسوسی‌های اقتصادی کشف شده است که این رقم در قیاس با سال 94 در حوزه جرائم جاسوسی‌های اقتصادی دو برابر گشته است. پژوهش ASIS نشان می‌دهد که ضرر مالی 1000 شرکت بزرگ و ثروتمند آمریکا بر اثر سرقت اسرار تجاری در سال 1999، بیش از 45 میلیارد دلار بوده است. پژوهش ASIS در سال 2000 نیز نشان می‌دهد که شرکت‌های آمریکایی بیش از 1 میلیارد دلار را به دلیل سرقت اسرار تجاری از دست داده‌اند (Nasheri, 2005, 25).

جاسوسی صنعتی به‌عنوان جاسوسی حوزه صنعت، حوزه‌های مختلفی را شامل می‌شود: اختراعات²، الگوها³، وسایل⁴، طرح‌های صنعتی⁵، روش‌ها⁶ و فرایندهای مختلف حوزه صنعت، فرمول‌های صنعتی⁷، سامانه‌های هسته‌ای⁸ و اطلاعات نظامی⁹ از مواردی هستند که همواره در خطر جاسوسی‌های صنعتی قرار می‌گیرند.

جاسوسی اقتصادی نیز حوزه‌های مختلفی از جمله سرقت اسرار تجاری، داده‌های اقتصادی، دستیابی به میزان سود و ضرر، تولید محصولات و ... را در بر می‌گیرد.

شیوه‌های مختلف جاسوسی‌های صنعتی - اقتصادی که توسط شرکت‌ها یا کنش‌گران آن‌ها ارتکاب می‌یابند، عبارت‌اند از: اسکن تصاویر، عکس‌برداری از طرح‌ها، استراق سمع، ایجاد خلل در تارنماهای شرکت‌های رقیب و یکی از شیوه‌های نوین جاسوسی صنعتی - اقتصادی که

- 1- Trade secret.
- 2- Inventions.
- 3- Models.
- 4- Tools.
- 5- Industrial design.
- 6- Modes.
- 7- Industrial formula.
- 8- Nuclear systems.
- 9- Military information.

نشان دهنده ابتکار شرکت‌های بزهکار است، حضور در دادگاه‌های شرکت‌های رقیب است؛ زیرا این شرکت‌ها امید آن دارند که در جلسه دادگاه شرکت‌های رقیب، برخی از اطلاعات آن‌ها محل بحث واقع گردد و از این طریق به برخی از اسرار تجاری - اقتصادی آن‌ها پی برند. یکی دیگر از شیوه‌های ارتکاب جاسوسی صنعتی، مهندسی معکوس¹ است. بر اساس شیوه مهندسی معکوس، شرکت‌های تجاری با دستیابی به محصول نهایی، گام به گام به عقب رفته تا به شیوه نهایی تولید دست یابند. شرکت‌های تجاری با استخدام مهندسان صنعتی متخصص در حوزه مهندسی معکوس، در پی آن‌اند تا با کشف جزئیات امور، شیوه نهایی تولید محصول را درک نمایند.

در این قلمرو و در نظام عدالت کیفری ایران، مواد 64 و 75 قانون تجارت الکترونیکی به جرم انگاری سرقت اسرار تجاری اشاره کرده است. بر اساس ماده 64 این قانون «به منظور حمایت از رقابت‌های مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی، تحصیل غیر قانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها و مؤسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی، جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید.» ماده 75 این قانون نیز مقرر می‌دارد «متخلفین از ماده 64 این قانون و هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی، به منظور رقابت منفعت یا ورود خسارت به بنگاه‌های تجاری با نقض حقوق قراردادهای استخدام مبنی بر عدم افشای اسرار شغلی و یا دستیابی غیرمجاز، اسرار تجاری آنان را برای خود تحصیل یا برای اشخاص ثالث افشا نمایند، به حبس از 6 ماه تا 2 سال و جزای نقدی معادل 50 میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

با توجه به صراحت ماده 64 و خاص بودن قانون تجارت الکترونیکی، می‌توان گفت که سرقت اسرار تجاری در این ماده، تنها ناظر بر اسرار تجاری الکترونیک است و دیگر جنبه‌های اسرار تجاری را در بر نمی‌گیرد. همچنین در ماده 75 این قانون افشا و تحصیل نامشروع باید به منظور رقابت، منفعت یا ورود خسارت به بنگاه‌های تجاری باشد؛ بنابراین چنانچه فردی بدون قصد خاص رقابت، منفعت و یا ورود خسارت به بنگاه‌ها، اسرار تجاری الکترونیک را برای خود تحصیل یا برای ثالث افشا نماید، مشمول این مقررات نمی‌گردد. از طرف دیگر، قصد خاص رقابت، منفعت و

1- Reverse engineering.

... باید با نقض حقوق قراردادهای استخدامی همراه باشد. توجه به این قید نشان می‌دهد که این قانون ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق اسرار تجاری الکترونیک را صرفاً برای مستخدمان بنگاه‌های تجاری در نظر گرفته است؛ بنابراین چنانچه فردی بدون وجود رابطه استخدامی اسرار تجاری الکترونیک را برای خود تحصیل یا برای ثالث افشا نماید، مشمول این مقررات نمی‌شود. دیگر خلأ موجود در حوزه جرم انگاری در این قانون، ناظر بر رفتارهای مجرمانه‌ای است که در جهت حمایت از اسرار تجاری وضع گردیده‌اند. ماده 75 این قانون صرفاً تحصیل و افشای اسرار تجاری الکترونیک را تحت حمایت قرار می‌دهد، حال آنکه شیوه‌های سرقت اسرار تجاری بسیار گسترده‌تر است؛ اما همان‌طور که مشاهده می‌شود، این قانون صرفاً ارتکاب جرم توسط اشخاص حقیقی را مدنظر قرار داده است؛ بنابراین، در صورتی که شخص حقوقی مرتکب جرمی شود، بر اساس این قانون، مسئولیت نخواهد داشت؛ اما این مشکل با تصویب قانون مجازات اسلامی 1392 حل شده است. بر اساس ماده 143 قانون مذکور، "شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت است که نماینده قانونی شخص حقوقی، به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم شود". از این رو و با توجه به آن که قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته است، می‌توان گفت در صورتی که فرد به نام شرکت یا در راستای منافع آن، دست به ارتکاب جرم زند، شرکت با ضمانت اجرای جنایی مواجه می‌شود. به تصریح ذیل ماده فوق‌الذکر نیز، مجازات شخص حقوقی، مانع مجازات شخص حقیقی نیست.

بند دوم؛ کلاهبرداری اینترنتی شرکتی

امروزه پیوند توسعه اقتصادی مدرن و فناوری‌های نوین، از یک سو و هوش و قدرت تخیل کلاهبرداران از سوی دیگر، موجب افزایش و تنوع گونه‌های کلاهبرداری شده است. گونه شناسی این جرم، گاه بر اساس اتخاذ نام‌های واهی، گاه با توجه به شیوه مورد استفاده (کلاهبرداری از طریق فروش قسطی، چاپ آگهی، قدرت فراطبیعی و تشخیص) یا حتی جهت گیری به سوی یک سیل خاص (کلاهبرداری نسبت به بیمه، کلاهبرداری در ازدواج، کلاهبرداری از طریق مؤسسات خیریه یا علیه این مؤسسات) انجام می‌شود. (gasan, 2012, 103) تقسیم‌بندی دیگر که در این زمینه می‌توان ارائه داد، توجه به شخصیت حقیقی یا حقوقی (اعم از دولتی و خصوصی) مرتکب است. بر اساس آمار موجود، یکی از گونه‌های رایج این جرم، کلاهبرداری توسط شرکت‌های

تجاری است. شرکت‌ها جهت ارتکاب کلاهبرداری به سازکارهای مختلفی متوسل می‌شوند که کلاهبرداری اینترنتی شرکتی یکی معمول‌ترین این راه‌ها است.

امروزه وابستگی جامعه مدرن به سامانه‌های رایانه‌ای، توسعه فناوری اطلاعات¹، ترقی کیفیت زندگی و رشد فناوری‌های ارتباطی، موجب شده است تا عمده کلاهبرداری‌های اینترنتی توسط بزهکاران مجازی² صورت پذیرد. بزه‌های مجازی³ به دلیل گمنامی بزهکار، خطرپذیری پایین، سرعت بالای ارتکاب جرم و مشکلات تعقیب و شناسایی، همواره مورد توجه بزهکاران حرفه‌ای هستند. از حیث کشف این جرائم نیز شناسایی بزهکاران مجازی از طریق پروتکل اینترنتی⁴ با چالش‌های فراوانی مواجه است. از این رو، بزهکاران با توجه به رویکرد هزینه-فایده⁵ جرائم سایر بزه‌هایی می‌دانند که با کم‌ترین هزینه، بیشترین منافع را برای آنان به ارمغان می‌آورد. بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، شرکت‌ها به تجربه دریافته‌اند که جرائم اقتصادی اینترنتی یکی از مهم‌ترین شیوه‌های ارتکاب جرائم است. شرکت‌های تجاری، از طرفی با توسل به کلاهبرداری-های اینترنتی مرزها را در می‌نوردند و از طرف دیگر، در لحظه وقوع جرم، در مکانی غیر از محل وقوع بزه قرار دارند. کلاهبرداری‌های شرکتی اینترنتی عموماً به دو شیوه ارتکاب می‌یابند. شکل اول، کلاهبرداری مزایده‌ای⁶ است. این شیوه معمول‌ترین نوع کلاهبرداری اینترنتی شرکتی است که به‌عنوان مزایده شبکه‌ای⁷ نیز از آن یاد می‌شود (Gerberet al, 2007, 152).

بر اساس این الگو، فرد، پیشنهاد مزایده کالا یا خدماتی را از طریق اینترنت ارائه می‌دهد. ارسال پیشنهاد از طریق پست الکترونیکی صورت می‌پذیرد، پس از دریافت پست الکترونیکی توسط افراد و پیشنهادها و قیمت‌های مختلف، یکی از مشتریان، به‌عنوان برنده مزایده معرفی می‌شود و پس از واریز مبلغ پیشنهادی، در می‌یابد که کالا یا خدمات در عالم واقع وجود ندارد. شکل دوم،

-
- 1- Information technology.
 - 2- Cyber criminals.
 - 3- Cyber Crimes.
 - 4- Internet protocol.
 - 5- Cost- benefit approach.
 - 6- Auction fraud.
 - 7- Network Auction.

کلاهبرداری سرمایه‌گذاری¹ است. در این روش نیز شرکت‌ها با پیشنهاد فرصت سرمایه‌گذاری به افراد، مبلغی را به‌عنوان سرمایه اولیه از آنان طلب می‌کنند. پیشنهاد سرمایه‌گذاری عمدتاً با تبلیغات گمراه‌کننده همراه می‌شود و افراد را ترغیب می‌کند تا به این پیشنهاد پاسخ مثبت دهند. پس از واریز سرمایه اولیه، ارتباط میان شرکت و فرد سرمایه‌گذار قطع می‌گردد. بدین معنا که سرمایه‌گذاری، به واقع وجود ندارد. در هر دو روش، شرکت‌ها راه فرار از مسئولیت جنایی را نیز پیش‌بینی می‌کنند. بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه با متخصصان این حوزه، رویکرد غالب شرکت‌ها در کلاهبرداری اینترنتی ایجاد پست الکترونیکی جدید و افتتاح حساب‌های شخصی است. افراد پس از آنکه جهت دریافت مبلغ پرداختی به شرکت‌ها رجوع می‌کنند، با پاسخ‌های تهاجمی شرکت‌ها مواجه می‌گردند. شرکت‌ها با استناد به پست الکترونیکی مشخص و حساب بانکی به نام شرکت، خود را از اتهام وارده بری می‌کنند.

در نظام عدالت کیفری ایران در مبحث اول باب چهارم قانون تجارت الکترونیکی (مصوب 1382) و در ماده 68 آمده است: "هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی، با سوءاستفاده یا استفاده غیر مجاز از داده پیام، برنامه‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و وسایل ارتباط از دور و ارتکاب افعالی نظیر ورود، محو، توقف داده پیام، مداخله در عملکرد برنامه یا سیستم رایانه‌ای و غیره دیگران را بفربید و یا سبب گمراهی سیستم‌های پردازش خودکار و نظایر آن شود و از این طریق برای خود یا دیگری وجوه، اموال یا امتیازات مالی تحصیل کند و اموال دیگران را ببرد مجرم محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبان اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی معادل مال مأخوذه محکوم می‌شود". بر اساس تبصره این ماده شروع به این جرم نیز جرم محسوب و مجازات آن حداقل مجازات مقرر در این ماده است؛ اما در ماده 13 قانون جرائم رایانه‌ای (مصوب 1388) نیز آمده است: "هر کس به‌طور غیرمجاز از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخبراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سیستم وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند، علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم

1- Investment fraud.

خواهد شد". به نظر می‌رسد با توجه به قاعده "الجمع مهما امکن اولی من الطرح" امکان جمع میان این دو مقرر قانونی وجود داشته باشد. بر این اساس، در صورت ارتکاب کلاهبرداری رایانه‌ای در جایی که شخصی دیگری را در بستر مبادلات الکترونیکی فریب دهد و از این طریق مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند، موضوع کما فی السابق در شمول قانون تجارت الکترونیکی است نه قانون جرائم رایانه‌ای. در باقی فروض نیز ملاک، قانون جرائم رایانه‌ای خواهد بود. رفتارهای مجرمانه جرم کلاهبرداری رایانه‌ای در قانون اخیرالذکر، دو دسته‌اند: رفتارهای مجرمانه علیه داده‌ها که شامل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن آن‌هاست و مختل کردن سیستم. در فرض اول، مرتکب با اعمالی چون افزودن یا تغییر دادن، برای خود امتیازی به دست می‌آورد. در فرض دیگر، نیز فرد از طریق اختلال در سیستم، به نتایج مورد نظر خود می‌رسد. وسیله ارتکاب جرم در این ماده، رایانه و بستر آن سامانه‌ها و سیستم‌های مخابراتی هستند. با توجه به فحوی این ماده، به نظر می‌رسد که تمامی رفتارها از لحظه آغاز ارتکاب جرم تا مرحله انتهایی آن، باید در فضای مجازی انجام شود. از این رو، چنانچه به هر دلیلی، فرد رفتار خود را در فضای سایر به اتمام نرساند، جرم نیز محقق نشده است. نتیجه این جرم نیز به نسبت کلاهبرداری سنتی گسترش یافته است؛ زیرا در کلاهبرداری سنتی و بر اساس ماده 1 قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری، فرد باید مال دیگری را ببرد، در حالی که در این قانون، کسب هرگونه منفعت مالی، برای تحقق جرم کافی است. نیز در این ماده، دامنه مرتکب هم افزایش یافته است؛ زیرا چه فرد امتیاز مالی را برای خود و چه برای دیگری ببرد، جرم تحقق می‌یابد. البته تمامی این اقدامات، به شرط غیرقانونی بودن جرم است. لذا چنانچه، کارمند بانکی بر اساس ضوابط سازمانی، برخی از رفتارهای موجود در این ماده را انجام دهد، مشمول این ماده نخواهد شد.

بند سوم؛ فرار از مالیات

فرار از مالیات از جرائمی است که لطمه‌های جبران‌ناپذیری به اقتصاد جامعه وارد می‌کند. فرار از مالیات استفاده از ابزارهای غیرقانونی جهت پرهیز از پرداخت مالیات است. بر اساس گزارش مرکز منافع داخلی آمریکا در سال 2002 افراد بسیاری در ایالات متحده از پرداخت مالیات فرار کردند. این افراد با انتقال وجوه خود به حساب‌های بانکی کشورهای خارجی و بازپس‌گیری این مبالغ از طریق کارت‌های اعتباری، از پرداخت مالیات امتناع ورزیدند (Grobooskey, 2009, 135).

از طرفی در برخی کشورها، راهبردهای عام‌المنفعه‌ای در قوانین مالیاتی تعریف می‌شود که افراد در صورت انجام این امور، مالیات کمتری را می‌پردازند. برخی از این راهبردها عبارت‌اند از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های ورزشی، همکاری در برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی و امور عام‌المنفعه؛ بنابراین باید میان فرار از مالیات و رویکردهای کاهش پرداخت مالیات قائل به تفکیک شد. فرار از مالیات، استفاده از طرق غیر قانونی جهت فرار از پرداخت مالیات است، اما رویکردهای کاهش پرداخت مالیات بر اساس متون قانونی و با استفاده از ابزارهای قانونی صورت می‌گیرد و امری مجاز تلقی می‌گردد.

بر اساس ماده 198 قانون مالیات‌های مستقیم مصوب 1380 نسبت به اشخاصی که به شرح مقررات این قانون، مکلف به تسلیم صورت یا فهرست یا قرارداد یا مشخصات راجع به مؤدی می‌باشند، در صورتی که از تسلیم آن‌ها در موعد مقرر خودداری و یا برخلاف واقع تسلیم نمایند، جریمه متعلق در مورد حقوق عبارت خواهد بود از: دو درصد حقوق پرداختی و در خصوص پیمانکاری یک درصد کل مبلغ قرارداد و در هر حال با مؤدی متضامناً مسئول جبران زیان وارده به دولت خواهند بود. بر اساس تبصره 2 ماده 199 نیز هرگاه مکلف به کسر مالیات، شخص حقوقی غیردولتی باشد، مدیر یا مدیران مربوط نیز علاوه بر مسئولیت تضامنی نسبت به پرداخت مالیات و جرائم متعلق به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهند شد. این حکم شامل مدیر یا مدیران اشخاص حقوقی که برای پرداخت مالیات‌های مذکور در فوق به سازمان امور مالیاتی کشور تأمین سپرده‌اند، نخواهد بود. چنانچه کسرکننده مالیات، شخص حقیقی باشد به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد؛ بنابراین، بر اساس این مواد، ارتکاب اعمالی چون اظهار خلاف واقع یا عدم تسلیم به هنگام صورت‌های مالی که عموماً به دلیل فرار از مالیات صورت می‌گیرد، جرم تلقی شده است. تبصره 2 ماده 199 نیز برای مدیران شرکت‌های خصوصی، ضمانت اجرای شدید حبس از سه ماه تا دو سال را در نظر گرفته است. البته بر اساس همین تبصره، سپردن تأمین مناسب نزد سازمان امور مالیاتی به‌عنوان عذر معاف‌کننده مانع اعمال مجازات می‌شود؛ زیرا در این فرض، ممیزان مالیاتی از طریق اخذ تأمین، مالیات شرکت را دریافت می‌کنند و مقصود، حاصل می‌شود.

مبحث دوم؛ رویه‌های تجاری ناعادلانه

امروزه، به دلیل رشد فناوری و قدرت برتر تولیدکنندگان و سرمایه‌داران، رویه‌های تجاری ناعادلانه به‌عنوان یکی از مباحث نوین در حقوق رقابت، جایگاه والایی به خود گرفته است. این مفهوم که به اعمال متقلبانه، فریبکارانه و توأم با تزویر در رویه‌های تجاری، اطلاق می‌شود (*legal-dictionary.thefreedictionary.com*)، عمدتاً علیه مصرف‌کنندگان، انجام می‌شوند و از این رو، به جرایم علیه مصرف‌کنندگان نیز مشهور شده‌اند. بانک جهانی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی¹ در توصیه به کشورهای مختلف، رویه‌های تجاری ناعادلانه را شامل ارائه اطلاعات نادرست و اثر آن بر منافع تجاری، ارائه اطلاعات نادرست به مشتریان، بازنمایی سوء از محصولات، تبانی در تعیین قیمت‌ها و ... دانسته است. (9, 2012, *cutsinternational*) رویه‌های تجاری ناعادلانه در بطن شرکت‌های بزهکار به سه نوع مهم تقسیم می‌شود که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

بند اول؛ تبانی در تعیین قیمت‌ها

تبانی در تعیین قیمت‌ها اصطلاح عامی است که به معنای تنظیم رفتارهای غیر قانونی شرکت‌ها با هدف کسب سود بیشتر است. در این پدیده که سالانه میلیون‌ها دلار سود غیر قانونی برای شرکت‌ها به ارمغان می‌آورد، شرکت‌های تجاری در حوزه‌های خاص صنعت، با یکدیگر توافق می‌کنند تا قیمت محصولات را در حد معینی نگاه دارند (238, 2007, Gerber et al). تبانی در تعیین قیمت‌ها الگویی جهت دستیابی به حداکثر سود و کاستن از هزینه‌های رقابت است. از بین رفتن فضای رقابت میان کنش‌گران اقتصادی موجب بروز پدیده تثبیت قیمت‌ها می‌شود. در این فرض شرکت‌ها به جای رقابت با یکدیگر، با تبانی، قیمت‌ها را در سطح مشخصی نگه می‌دارند. فضای رقابت تجاری میان شرکت‌ها ایجاب می‌کند تا شرکت‌ها توجه خود را معطوف به کیفیت تولیدات، قیمت آن‌ها و نحوه برخورد با مشتریان نمایند، اما از بین رفتن این فضای رقابتی، موجب می‌گردد تا کیفیت محصولات افت کند و قیمت محصولات با کیفیت آن‌ها تناسب نداشته

1- organization for economic cooperation and development

باشد. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته با متخصصان علوم اقتصادی، تباری در تعیین قیمت‌ها به خصوص زمانی رخ می‌دهد که حوزه خاصی از فعالیت‌های تجاری - به‌عنوان مثال حوزه تولیدات مواد آرایشی - در اختیار تولیدکنندگان اندکی باشد. بر اساس نظر متخصصان علم اقتصاد، این وضعیت همان است که در اقتصاد از آن به انحصارگرایی چندگانه یاد می‌شود. انحصارگرایی چندگانه حالتی است که به‌عنوان مثال پنج تولیدکننده مواد آرایشی بیش از 50٪ بازار را در اختیار داشته باشند. در این وضعیت، علاوه بر آن که احتمال بروز پدیده تباری در تعیین قیمت‌ها فراوان خواهد بود، موجب شکل‌گیری شرکت‌های کارتل می‌شود. این شرکت‌ها، با تقویت پدیده تباری در تعیین قیمت‌ها، از بین بردن فضای رقابتی و ایراد ضرر به مشتریان، به سودهای هنگفتی می‌رسند. حالت دیگری که در آن پدیده تثبیت قیمت‌ها به احتمال فراوان رخ خواهد داد، وضعیت انحصارگرایی مطلق است. این وضعیت، حالتی است که حوزه خاصی از فعالیت‌های تجاری در اختیار تنها یک تولیدکننده باشد. در این فرض نیز به دلیل فقدان فضای رقابتی، تولیدکننده منحصربه‌فرد با در اختیار داشتن بازار و تعیین قیمت، فروشندگان را مجاب می‌نماید تا بر اساس اصل نیاز به تولیدات وی روی آورند.

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته با کنش‌گران تجاری، در بسترهای اقتصادی - اجتماعی ایران به نظر می‌رسد که امکان بروز این پدیده در زمان خریدهای نوروژی فراوان باشد. در وضعیت انحصارگرایی چندگانه یا مطلق، تولیدکنندگان با آگاهی از اشتیاق مردم به خریدهای نوروژی، با تباری در تعیین قیمت‌ها، هزینه‌های فراوانی را به مصرف‌کنندگان بار می‌کنند. پیامد اصلی تباری در تعیین قیمت‌ها ایراد ضرر بر مشتریان است. بر مبنای این پدیده، مشتریان باید محصولات با کیفیت پایین را با قیمت بالا خریداری نمایند. هزینه‌های تباری در تعیین قیمت‌ها چندان مشخص نیست، اما برآورد می‌شود هزینه‌های این پدیده علیه مشتریان در ایالات متحده، سالانه به بیش از 60 میلیارد دلار برسد (Gerberet al, 2007, 239).

در سال 2008 مدیران دو شرکت بزرگ الکترونیکی آل جی و هیتاچی به تباری در تعیین قیمت‌ها در فروش صفحات کریستال مایع (LCD) به شرکت‌های آمریکایی متهم شدند. در سال 2009 نیز 15 شرکت هوایی به تباری در تثبیت قیمت‌ها در تعیین نرخ بارنامه هوایی متهم شدند. جمع جریمه‌های نقدی این شرکت‌ها به 1/6 میلیارد دلار رسید (Siegel, 2011, 327). به نظر می‌رسد هر چه در حوزه‌های مختلف تجاری، صاحبان سرمایه و شرکت‌ها بیشتر باشند، به همان

نسبت احتمال بروز پدیده‌ی تبانی در تعیین قیمت‌ها نیز کاهش پیدا نماید. نتیجه آنکه پویایی رقابت اقتصادی در فعالیت‌های تجاری و خصوصی‌سازی از اصول راهبردی در کاهش پدیده‌ی تثبیت قیمت‌ها به شمار می‌رود.

در نظام عدالت کیفری ایران و بر اساس بند ب ماده 45 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، عرضه و یا تقاضای کالا یا خدمت مشابه به قیمت‌هایی که حاکی از تبعیض بین دو یا چند طرف معامله و یا تبعیض قیمت بین مناطق مختلف به‌رغم یکسان بودن شرایط معامله هزینه‌های حمل و سایر هزینه‌های جانبی آن، ممنوع است. ضمانت اجرای نقض این ماده در ماده 61 قانون فوق‌الذکر آمده است که بر اساس آن مجرم به جریمه نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، محکوم می‌شود. همان‌طور که مشخص است، ضمانت اجرای موجود در این قانون به نسبت منافع این جرم بسیار خفیف بوده و اهداف پیشگیری کیفری را تضمین نمی‌کند.

بند دوم؛ حساب‌سازی‌های ناروا

یکی دیگر از رویه‌های تجاری ناعادلانه شرکت‌ها، حسابداری یا حساب‌سازی‌های نارواست. حساب‌سازی عمل خدعه آمیزی است که به‌منظور سوءاستفاده خود یا دیگری یا به‌منظور اضرار به شخصی انجام گیرد و در نتیجه آن، حساب یا سندی که به‌منظور حسابداری تهیه شده، نابود، مخدوش، نهفته یا دستکاری شود یا در تهیه اطلاعات مورد نیاز، کسی از حساب، ثبت یا سندی استفاده کند که بدانند در موردی گمراه‌کننده، تقلبی و فریبنده است. شرکت‌ها به دلایل مختلف از جمله فرار از مالیات، کسب سود بیشتر و ... اقدام به حساب‌سازی‌های ناروا می‌نمایند. متخصصان این حوزه با دست‌کاری در حساب‌های مالی شرکت‌ها، حقایق مالی را پنهان نموده و اموری غیر واقعی را به شرکت‌ها نسبت می‌دهند.

در جولای سال 2006 شرکت تننت¹ موافقت نمود که 900 میلیون دلار به حکومت فدرال بابت تخلفات صدور صورت حساب مراقبت‌های پزشکی، باز پس دهد، این در حالی است که بنا به

1- Tenet.

گفته برخی افراد، این شرکت در حدود 1/9 میلیارد دلار از این راه کسب سود کرده بود. این شرکت که بزرگ‌ترین زنجیره بیمارستان‌ها را در آمریکا در اختیار دارد، در سال 2000 نیز به دلیل صدور صورت حساب غیر قانونی مقصر شناخته شد و به پرداخت 840 میلیون دلار جزای نقدی محکوم گردید (Hartley, 2008, 22).

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته با متخصصان علوم اقتصادی، برخی شرکت‌ها در راستای حساب‌سازی‌های ناروا اقدام به تشکیل دو نوع دفتر مالی می‌نمایند. دفاتر حقیقی دفاتری است که واقعیت‌های مالی شرکت‌ها را نشان می‌دهد و در بسترهای داخلی شرکت از جمله گزارش به مدیر شرکت به کار می‌رود. دفتر دیگر شرکت‌ها که دفاتر قانونی است، جهت ارائه به نهادهای مالی از جمله ممیزان اداره دارایی تهیه می‌شوند. نکته مشخص آن که همواره بین این دو دفتر ناسازگاری وجود دارد. دفاتر مالی حقیقی جهت گزارش‌های داخلی، میزان سود، خرید، فروش و ... شرکت را آن‌گونه که هست، نشان می‌دهد، اما دفاتر قانونی با برجسب قانونی، حساب‌هایی است که با واقعیت‌های مالی شرکت تطابق ندارد و به واقع جهت دور زدن قانون شکل می‌گیرند.

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته با متخصصان علم حسابداری، حسابرسی به‌عنوان نهاد نظارتی، امور مالی و حسابداری شرکت‌های تجاری را کنترل می‌نماید. پیامدهای ناگوار حساب‌سازی‌های ناروا از جمله ایجاد خلل در نظام اقتصادی موجب گردیده تا حسابرسی به‌عنوان راهبرد نظارتی در علم حسابداری تأسیس گردد. از این‌رو، فلسفه وجودی حسابرسی، پی بردن به تحریف‌های مالی است. حساب‌برسان متخصص با انجام امور حسابرسی موجب می‌شوند تا حساب‌سازی‌های ناروای شرکتی کشف و با آنان برخورد گردد. لازمه این امر گزینش حساب‌برسان بر مبنای گفتمان تخصص‌باوری است.

حساب‌برسان متخصص با تسلط بر اصول حسابرسی، قادر به کشف حساب‌سازی‌های ناروا خواهند بود، اما بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، چالش نوین در حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌ها، تبانی مدیران مالی شرکت‌ها با حساب‌برسان است. در این فرض مدیران مالی شرکت‌ها، حساب‌برسان را تشویق می‌نمایند تا اظهارنظر خود در گزارش حسابرسی را اظهارنظر مشروط بیان نمایند. اظهارنظر مشروط در گزارش‌های حسابرسی ناظر بر فرضی است که حساب‌برس، قبول صورت‌های مالی را منوط به رفع ایرادات جزئی می‌داند. در این حالت مدیران مالی با پر نمودن خلأهای موجود، اظهارنظر مقبول حسابرسی را دریافت خواهند نمود؛ حال آنکه حقایق مالی

شرکت‌ها همچنان در تحریف باقی می‌ماند.

بر اساس نتایج مصاحبه‌ها، مشکل دیگر در حسابرسی، تفویض این امر به نیروهای کار کم تجربه است. معمولاً حسابرسان با تفویض حسابرسی به نیروهای تحت امر خود، فرایند حسابرسی را با مشکل مواجه می‌سازند. نیروهای کم تجربه با بررسی صورت‌های مالی شرکت‌ها و تطابق آنان با کلیات اصول حسابرسی، گزارش نهایی را بیان می‌نمایند. از یک سو، شرکت‌ها، کارشناسان متخصص در زمینه تحریف‌های مالی را به استخدام خود درمی‌آورند و از سوی دیگر، حسابرسی صورت‌های مالی توسط نیروهای کار کم تجربه صورت می‌پذیرد. پیامد این امر، عدم کشف حساب‌سازی‌های ناروا خواهد بود. در پرونده جنجال‌برانگیز اخیر در کشور نیز حساب‌سازی‌های ناروا تسهیل‌کننده وقوع بزه بوده است. از بُعد نظارتی، می‌توان این پرسش را مطرح نمود که نقش حسابرسان در ارتکاب این جرم تا چه میزان بوده است؟ آیا حسابرسان بر مبنای گفتمان تخصص محور گزینش نشده‌اند یا نیروهای کار کم تجربه نتوانسته‌اند تحریف‌های مالی را کشف نمایند یا ...؟

در نظام حقوق کیفری ایران، حساب‌سازی‌های ناروا در تبصره ماده 118 قانون مالیات‌های مستقیم آمده است. بر اساس این تبصره، آخرین مدیران شخص حقوقی در تسلیم اظهارنامه خلاف واقع، متضامناً و کلیه کسانی که دارایی شخص حقوقی بین آنان تقسیم گردیده به نسبت سهمی که از دارایی شخص حقوقی نصیب آنان شده است، مشمول پرداخت مالیات و جرایم متعلق به شخص حقوقی خواهد بود، به شرط آن که ظرف مهلت مقرر در ماده 157 این قانون از تاریخ درج آگهی انحلال در روزنامه رسمی کشور مطالبه شده باشد. بر اساس ماده 201 قانون مذکور نیز هرگاه مؤدی به قصد فرار از مالیات از روی علم و عمد به ترازنامه و حساب سود و زیان یا به دفاتر و اسناد و مدارکی که برای تشخیص مالیات ملاک عمل می‌باشد و برخلاف حقیقت تهیه و تنظیم شده است، استناد نماید، علاوه بر جریمه‌ها و مجازات‌های مقرر در این قانون از کلیه معافیت‌ها و بخشودگی‌های قانونی در مدت مذکور محروم خواهد شد؛ بنابراین، بر اساس این قانون، هم حسابداری که حساب‌های مالی را دستکاری می‌کند و هم مدیر مالی شرکت که صورت‌های ناصحیح را به میزان مالیاتی ارائه می‌دهد، مسئولیت دارند. با وجود این، به نظر می‌رسد، صرف اعمال ضمانت اجرای مدنی در مورد متخلفان این حوزه، باعث پیش‌گیری از این جرائم نشود؛ بنابراین، با توجه به پیامدهای ناگوار حساب‌سازی‌های ناروا، به نظر می‌رسد که جرم‌شناسی این

رفتار در نظام عدالت کیفری ایران، در قالب جرائم پیشگیرانه، از ارتکاب جرائم دیگری چون فرار از مالیات، اختلاس و ... جلوگیری نماید.

بند سوم؛ تبلیغات گمراه‌کننده

تبلیغات گمراه‌کننده به معنای بازنمایی سوء از محصولات است. بر اساس این بازنمایی سوء، مشتریان، کالاها و خدماتی را خریداری می‌نمایند که با تبلیغات صورت گرفته همخوانی ندارد. تبلیغات گمراه‌کننده به پدیده‌ای نوین در تبلیغات شرکت‌ها تبدیل گشته است. در دهه 1980 میلادی، شرکت Beechnut در تبلیغات خود بیان نمود: آبمیوه سیب صددرصد طبیعی، اما اداره مواد دارویی و غذایی ایالات متحده ثابت نمود که در نوشیدنی این شرکت ناخالصی وجود داشته است. این شرکت با جریمه 2 میلیون دلاری مواجه گردید، در حالی که 60 میلیون دلار از این راه، کسب سود نموده بود. شرکت مواد دارویی وارنر لمبرت¹ نیز به دلیل بازنمایی سوء در امنیت مواد دارویی خود به پرداخت 60 میلیون دلار جریمه محکوم شد. (Gerber et al, 2007, 95)

برخی دیگر از شرکت‌ها نیز با شبیه‌سازی علائم تجاری شرکت‌های معروف و با تبلیغات گمراه‌کننده، موجب می‌گردند تا مشتریان کم‌دقت، به تصور خرید محصول شرکت مشهور، به سوی محصولات آن‌ها روی آورند. به عنوان مثال ممکن است شرکتی با تولید پوشاک ورزشی به نام adibas موجب گردد تا مشتریان کم‌دقت به تصور خرید محصول adidas به این محصول روی آورند. برخی دیگر از شرکت‌ها نیز با تغییر یک حرف از علائم تجاری مشهور، تبلیغات گمراه‌کننده را در سرلوحه تبلیغات خویش قرار می‌دهند. به عنوان مثال علامت تجاری panasonic را به شکل panaconic تولید نموده تا هم از ادعاهای بعدی شرکت اصلی فرار نمایند و هم با تبلیغات سوء، مشتریان را فریب داده، به سوی محصولات خود بکشانند. مثال دیگر در این مورد می‌تواند تغییر شکل علامت تجاری مشهور باشد. به عنوان مثال علامت تجاری NEC به شکل NCE و یا Sony به شکل Suny تولید شود.

بنابراین می‌توان بیان داشت، به طور کلی تبلیغات گمراه‌کننده به دو شکل صورت می‌پذیرد:

1- Warner lembert.

نخست بیان نادرست از واقعیت محصول و دوم بیان نادرست از کیفیت محصول. بر اساس گزاره اول، شرکت‌ها واقعیات محصول خود را در سایه تبلیغات گمراه‌کننده پنهان می‌نمایند. فرض دوم نیز ناظر بر حالتی است که شرکت‌ها با دست بردن در علائم تجاری، مشتریان بی‌دقت را قربانی تبلیغات خود می‌نمایند.

هدف نهایی از تبلیغات گمراه‌کننده توسط شرکت‌ها، کسب سود فراوان و درعین حال ایراد ضرر بر مشتریان است. راهبرد استفاده از تبلیغات گمراه‌کننده توسط شرکت‌ها، با در نظر گرفتن شاخص‌های مسئولیت کیفری موجب می‌گردد تا متخلفان این حوزه با نظام ضمانت اجراهای کیفری مواجه نگردند. بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه با کنش‌گران تجاری، اکثر مشتریان در هنگام خرید، دقت کافی به خرج نمی‌دهند و با نگاه گذرا به علائم تجاری، اقدام به خرید می‌نمایند. از این رو، احتمال موفقیت تبلیغات گمراه‌کننده در بسترهای اقتصادی ایران، بسیار زیاد خواهد بود.

در نظام عدالت کیفری ایران و بر اساس بنده ماده 45 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی، "هر اظهار شفاهی، کتبی یا هر عملی که: کالا یا خدمت را به صورت غیر واقعی با کیفیت، مقدار، درجه، وصف، مدل یا استاندارد خاص نشان دهد و یا کالا و یا خدمت رقبا را نازل جلوه دهد یا کالای تجدید ساخت شده یا دست دوم، تعمیری یا کهنه را نو معرفی کند یا وجود خدمات پس از فروش، ضمانت‌نامه تعهد به تعویض، نگهداری، تعمیر کالا یا هر قسمتی از آن و یا تکرار یا تداوم خدمت تا حصول نتیجه معینی را القاء کند، درحالی که چنین امکاناتی وجود نداشته باشد یا اشخاص را از حیث قیمت کالا یا خدمتی که فروخته یا ارائه شده است یا می‌شود، فریب دهد، ممنوع بوده و مجرم به جریمه نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، محکوم می‌شود". از آنجا که عمده رویه‌های تجاری ناعادلانه توسط بزهکاران یقه سفید ارتکاب می‌یابند، به نظر می‌رسد، ضمانت اجرای موجود در قانون بسیار خفیف باشد. حداکثر جزای نقدی در این قانون، یک میلیارد ریال است؛ حال آنکه در فرضی ممکن است سود حاصل از تبلیغات ناروا بسیار بیشتر از این مبلغ باشد. در این حالت، تحلیل‌های هزینه-فایده به احتمال فراوان، شرکت‌های بزهکار را به سوی جرم سوق می‌دهد. راه‌گریز از این مسئله، شدت عمل کیفری و اصلاح قوانین موجود در این حوزه است.

گفتار سوم؛ علت شناسی جرائم شرکتی

در این قسمت به دنبال تحلیل جرم‌شناسانه جرائم شرکتی هستیم. با توجه به آن که اکثر نظریه‌های جرم‌شناسی جریان غالب، قابل تطبیق بر جرائم شرکتی هستند، شاید بتوان نظریه‌های بسیاری را در مورد علت‌شناسی جرائم شرکتی مطرح کرد؛ اما نکته مهم در این مورد، شناسایی نظریه‌های موجود در سه حوزه خاص است: نظریه‌هایی که به‌طور خاص جهت شناسایی ریشه ارتکاب جرائم شرکتی مطرح شده‌اند (فرهنگ جرم‌زای شرکتی)، رویکردهای انتقادی ناظر بر شرایط اقتصادی شرکت‌ها (فشار اقتصادی) و تحلیل رویکردهای هزینه - فایده در ارتکاب جرائم شرکتی (نظریه انتخاب عقلانی). بر این اساس و با توجه به اهمیت سه موضوع یاد شده، در این قسمت، سه نظریه فرهنگ جرم‌زای شرکتی، فشار اقتصادی و انتخاب عقلانی را بررسی و شاخص‌های آن را بر ارتکاب جرائم شرکتی، تحلیل می‌کنیم.

مبحث نخست؛ فرهنگ جرم‌زای شرکتی¹

به تازگی فرهنگ سازمانی به‌مثابه عامل مهم در تبیین جرائم شرکتی در پژوهش‌ها و نظریه‌های جرم‌شناختی مورد شناسایی گرفته است. نتایج پژوهش‌های گیز² نشان می‌دهد که کلاهبرداری در صنعت تجهیزات الکترونیکی سنگین شیوه معمول حیات شرکت‌ها به شمار می‌رود. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که در صنعت اتومبیل و هوافضا نیز تباخی در تعیین قیمت‌ها به‌طور گسترده مشاهده می‌شود. (simpson et al, 2013, 25)

فرهنگ سازمانی حاکم بر شرکت‌های تجاری کسب سود به هر طریق ممکن است. فضای رقابتی میان کنش‌گران اقتصادی موجب می‌شود تا مدیران شرکت‌های تجاری بر اساس اصالت سود به دنبال کسب منافع از هر راه ممکن باشند. بر این اساس، از نظر مدیران شرکت‌ها، کسب سود از هر امری مهم‌تر و از هر طریقی امکان‌پذیر است. از این رو، به نظر می‌رسد شرکت‌های تجاری به جای اتخاذ فرهنگ تبعیت از قوانین، با راهبرد فرهنگ مقاومت، در پی مقابله با قوانین برمی‌آیند؛ بنابراین می‌توان گفت که هنجارهای فرهنگی شرکت‌ها، عموماً فرهنگ مقاومت را بر

1- Criminogenic corporate culture

2- Geis

فرهنگ تبعیت ترجیح می‌دهد.

نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد شرکت‌ها نه تنها تاب اطاعت از قوانین را ندارند بلکه از نقض قوانین کیفری نیز حمایت می‌کنند (Fleming et al, 2009, 12)؛ بنابراین ساختارهای داخلی و فرهنگ سازمانی حاکم بر شرکت‌ها، شاخصه جرم‌زایی و نقش کلیدی در بروز رفتارهای مجرمانه دارد. مدیران شرکت‌ها عموماً جرائم ارتكابی را با استناد به تلاش‌های گسترده خود توجیه می‌نمایند و در پی آموزش رفتارهای مجرمانه به کارگران خود برمی‌آیند. توانایی مدیران شرکت‌ها در تغییر دادن اعتقادات اخلاقی کارگران منجر به گسترش فرهنگ جرم‌زای شرکتی می‌شود. بر این اساس، مدیران شرکت‌ها کسب سود از هر راه ممکن (ولو ارتكاب جرم) را در صدر برنامه‌های خویش قرار می‌دهند و در پی تحمیل این عقیده به کارگران خود برمی‌آیند. کارگران نیز به دلایلی از جمله ترس از اخراج، امید به پیشرفت سازمانی و خودکنترلی ضعیف به سوی ارتكاب جرم حرکت می‌نمایند.

بنابراین ساختار سازمانی حاکم بر رویه‌های تجاری باعث می‌شود تا افراد سالم تبدیل به انسان‌های بزه‌کار گردند. بر این اساس، انسان‌های عاری از بزه، در فرهنگ جرم‌زای شرکتی حل و مرتکب جرائم شرکتی می‌شوند. این ایده توسط نظریه سیب فاسد در روان‌شناسی اجتماعی شرکت‌های تجاری تأیید می‌گردد.

بر اساس این نظریه رفتارهای غیر اخلاقی یک شرکت به کنش‌گران آن سرایت پیدا می‌کند (Fleming et al, 2009, 17). وفق این نظریه، اکثر افراد انسان‌های سالمی هستند، اما وجود فرهنگ غیر اخلاقی موجب می‌شود تا فساد، افراد سالم را نیز درگیر رفتارهای مجرمانه نماید؛ بنابراین، انسان‌ها توانایی تصمیم‌سازی در شرایط مختلف را دارند و خوب و بد را از یکدیگر تشخیص می‌دهند، اما فشارهای فرهنگی موجب می‌شود تا افراد به سمت و سوی فرهنگ غالب حرکت نمایند؛ بنابراین با فاسد شدن یک نقطه، فساد از این مکان مشخص به تمامی نقاط دیگر سرایت پیدا می‌کند.

از این رو، می‌توان بیان داشت، فرهنگ سازمانی حاکم بر شرکت‌های تجاری بر اساس راهبرد کسب سود از هر راه ممکن، تمایل به ارتكاب پدیده‌های مجرمانه دارد. در این راستا، تأثیر ساختار درونی و فرهنگ سازمانی شرکت‌ها بر کنش‌گران شرکتی موجب بروز فرهنگ جرم‌زای شرکتی می‌شود و این عامل به بروز جرائم شرکتی می‌انجامد.

بر اساس نتایج مصاحبه‌ها، بسیاری از کنش‌گران شرکتی با استناد به تلاش‌های خود در حوزه تجارت، به نوعی خود را مستحق کسب سود می‌دانند، ولو آنکه کسب سود از طرق نامشروع باشد. برخی دیگر از کنش‌گران تجاری نیز بر این باورند که فرهنگ سازمانی در شرکت‌های تجاری بالا به پایینی است؛ بدین صورت که خواست مدیران، به ساختار درونی شرکت‌ها رسوخ می‌کند و مجموع نظام را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که برخی مدیران، کسب سود به هر طریق ممکن ولو از طریق ارتکاب جرم را ملاک عمل قرار می‌دهند، از این رو، فرهنگ جرم‌زای شرکتی به رشد جرائم این حوزه کمک می‌نماید.

مبحث دوم؛ نظریه فشار اقتصادی¹

رابرت مرتن² جامعه‌شناس آمریکایی با الهام از نظریه نابهنجاری دور کهایم³، نظریه فشار را مطرح نموده است. مرتن معتقد است انسان‌ها ذاتاً منحرف نیستند، بلکه در اثر فشار به سوی جرم کشیده می‌شوند. دو عنصر بنیادی در این نظریه عبارت‌اند از اهداف و وسایل. (Siegel, 2011, 97) اهداف، انباشت سرمایه در رقابت آزاد اشخاص، رفاه و دستیابی به فرصت‌های بالای شغلی و به‌طور کلی یک زندگی آرمانی به شمار می‌رود. وسایل نیز ابزارهایی به شمار می‌روند که موجب دستیابی افراد به این اهداف می‌گردند.

پیش فرض ابتدایی آن است که همه افراد از فرصت یکسانی جهت رسیدن به آرمان‌های موردنظر برخوردارند، اما مشاهدات عینی نشان می‌دهد که برابری در دستیابی به اهداف در بین آحاد جامعه وجود ندارد. بر این اساس و در جوامع مختلف مشاهده می‌شود که پایگاه اجتماعی، ثروت، قدرت و علم در دست طبقه‌ای خاص است و دیگر لایه‌های اجتماع فرصت دستیابی به این اهداف را نمی‌یابند؛ بنابراین می‌توان بیان داشت در چنین جامعه‌ای نابرابری‌های غیر رسمی بر برابری‌های رسمی غلبه کرده، موجب می‌شود تا برخی از افراد با سازوکارهای غیر رسمی از جمله رانت به اهداف خود دست یابند و عده‌ای دیگر که ناتوان از دستیابی به نابرابری‌های غیر رسمی هستند، از دستیابی به اهداف خود ناکام مانند.

1- Economic strain theory.

2-Robert Merton

3-Durkeihm

بنابراین زمانی که افراد از طرق قانونی به اهداف خود نمی‌رسند، با توسل به طرق غیر قانونی و در نتیجه فشار در پی کسب پایگاه اجتماعی بالاتر برمی‌آیند. در این بستر، هم قشر نابرخوردار و هم طبقه ثروتمند، به سوی پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند. قشر نابرخوردار با هدف دستیابی به حداقل منافع و طبقه ثروتمند به امید دستیابی به پایگاه اجتماعی بالاتر مرتکب جرم می‌گردند. لذا فشار در این مفهوم به‌مثابه شکست محتمل یا واقعی در دستیابی به اهداف تعریف می‌شود. (nash et al, 2002, 4)

جرائم شرکتی به‌عنوان گونه‌ای از جرائم یقه‌سفیدان، عموماً توسط طبقه‌های فرادست ارتکاب می‌یابند. هدف اصلی از تأسیس شرکت‌ها دستیابی به منافع اقتصادی است. بر این اساس و در نظام اقتصادی هر کشور، سازوکارهایی مشخص گردیده‌اند که طرق قانونی دستیابی به سود اقتصادی را مشخص می‌کنند. شرکت‌های تجاری در پی آن‌اند تا با استفاده از این سازوکارهای قانونی، به درآمد موردنظر خود دست یابند؛ اما گاه شرکت‌ها از طرق قانونی به اهداف موردنظر خود دست نمی‌یابند. دلیل شکست شرکت‌ها در این بستر را می‌توان در وجود رانت‌های اقتصادی، روابط پشت پرده و دولتی بودن بخشی از صنایع یافت. وجود چنین نابرابری‌های غیر رسمی در نظام اقتصادی یک کشور موجب می‌شود تا شرکت‌ها فرصت برابر دستیابی به اهداف را در اختیار نداشته باشند. بر اساس مشاهدات عینی، گاه روابط دوستانه قبلی میان صاحبان شرکت‌ها و مدیران دولتی موجب توسل برخی از شرکت‌ها به سازوکارهای غیر رسمی و کسب سود فراوان می‌شود، درحالی‌که شرکت‌های دیگر به دلیل نابرخورداری از رانت‌های اقتصادی به اهداف مورد نظر خود نمی‌رسند و در نتیجه فشار اقتصادی مرتکب جرم می‌شوند.

بنابراین بر اساس نظریه فشار، فشار اقتصادی به معنای شکست محتمل یا واقعی در دستیابی به اهداف موردنظر (میزان سود مشخص) است. زمانی که شرکت‌ها، از یک‌سو، در دستیابی به سود مشخص ناکام می‌مانند و از سوی دیگر، فرصت برابر جهت رشد اقتصادی را نمی‌یابند، به احتمال فراوان به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهند کرد. از این‌رو، ساخت اجتماعی حاکم بر نظام اقتصادی و انسداد در دستیابی به اهداف اقتصادی بر اساس سازوکارهای قانونی، یکی از علل بروز جرائم شرکتی قلمداد می‌شود. لذا نظریه فشار اقتصادی، ارتکاب جرم را نتیجه بدیهی ساخت‌های اجتماعی و به‌ویژه ساختارهای اقتصادی فرصت‌زای جرم می‌پندارد. به باور این نظریه، چنانچه تمامی شرکت‌ها از فرصت یکسانی جهت دستیابی به اهداف خود برخوردار باشند، شاهد ارتکاب

برخی از جرائم شرکتی نخواهیم بود؛ اما تا زمانی که نابرابری‌های غیر رسمی در اجتماع، فراوان باشد، شرکت‌های قدرتمند و ضعیف به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهند کرد.

بنابراین، نظریه فشار اقتصادی، جرم را نتیجه مستقیم انتقام شرکت‌های نابرخوردار و سیری ناپذیری شرکت‌های برخوردار می‌داند. شرکت‌های ضعیف، با هدف دستیابی به حداقل اهداف مشخص شده، به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهند کرد و شرکت‌های ثروتمند نیز با هدف دستیابی به پایگاه اجتماعی بالاتر مرتکب رفتارهای مجرمانه می‌شود. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته در این پژوهش، وجود رانت‌های اقتصادی در بسترهای تجاری کشور (که نمونه آن را می‌توان در برگزاری مزایده‌ها و مناقصه‌ها مشاهده نمود) و فقدان فرصت برابر در دستیابی به اهداف مشخص، یکی از دلایل ارتکاب جرائم مالی شرکتی معرفی گردید؛ بنابراین وجود رانت‌های اقتصادی و نابرابری‌های غیر رسمی در نظام تجاری، یکی از بسترهای ظهور جرائم شرکتی به شمار می‌رود.

مبحث سوم؛ نظریه انتخاب عقلانی¹

نظریه انتخاب عقلانی نشأت گرفته از افکار فایده باورانی چون بکاریا² و بنتام است. بکاریا در رساله جرائم و مجازات‌ها³ بر این باور است که انسان‌ها حسابگرند. بنتام نیز در کتاب اصول اخلاقی و قانونگذاری معتقد است، بزهکاران بالقوه، هزینه‌ها و فواید حاصل از ارتکاب جرم را قبل از ارتکاب بزه محاسبه می‌نمایند. (Gerber et al, 2007, 248) این ایده که انسان‌ها با انگیزه کسب حداکثر سود، اعمال خود را سامان می‌دهند، ریشه در اصول علم اقتصاد دارد. گری بیکر بنده جایزه نوبل اقتصاد معتقد است که جز در موارد استثنایی چون بزهکاران مجنون، دیگر بزهکاران با سنجش هزینه‌ها و فواید ارتکاب جرم و به کارگیری تحلیل‌های هزینه-فایده به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهند کرد. (Siegel, 2011, 84) بنابراین رفتارهای جنایی در این بستر، محصول تفکر و برنامه‌ریزی دقیق بزهکاران است. بزهکاران قبل از ارتکاب جرم، به‌طور نظام‌مند عمل

1- Rational choice theory.

2 - Beccaria.

3 - On crime and punishment.

می کنند و شرط ورود بزهکاران به دنیای جرم، کسب منافع بالا با خطر پایین است. با توجه به مطالب فوق، می توان عناصر بنیادی¹ نظریه انتخاب عقلانی را تبیین نمود.

ارزیابی خطرات جرم: بر اساس این رویکرد، بزهکاران بالقوه پیش از ارتکاب جرم با تحلیل های ریسک محور²، میزان خطرات احتمالی ناشی از ارتکاب بزه را بررسی می کنند و در صورت بالا بودن میزان خطرات، از ورود به دنیای مجرمیت پرهیز می کنند. بزهکاران بالقوه در ارزیابی های ریسک محور، شاخص های مختلفی را در نظر می گیرند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می نمایم.

الف - احتمال کشف جرم: بر اساس این شاخص، بزهکاران با ارزیابی میزان احتمال کشف جرم، به پدیده های مجرمانه روی می آورند. چنانچه بزهکاران قادر باشند جرائم مورد نظر خود را در قالب جرائم آپارتمانی³ مرتکب شوند، احتمال کشف پایین آمده و بزهکاران با سنجش هزینه - فایده به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهند نمود.

ب - احتمال تعقیب: بزهکاران با استفاده از تحلیل های هزینه - فایده احتمال تعقیب جرم ارتكابی توسط کنش گران عدالت کیفری⁴ را مورد بررسی قرار می دهند. چنانچه احتمال تعقیب به دلایلی چون رؤیت پذیری جرم⁵، گشت های مراقبتی پلیسیو ... بالا باشد، بزهکاران از ارتکاب جرم انصراف می دهند و در عوض چنانچه احتمال تعقیب پایین باشد، بزهکاران بالقوه با انتخاب آماج مناسب، به سوی پدیده های مجرمانه روی می آورند.

ج - احتمال محکومیت: در این رویکرد، بزهکاران به مثابه کنش گران اقتصادی در پی آن اند تا با وجود ارتکاب جرم، با ضمانت اجراهای کیفری مواجه نگردند. از این رو بزهکاران غالباً در پی آن اند تا در بستری مرتکب جرم گردند که از حیث ادله اثبات جنایی⁶ بزه دیده را با چالش مواجه سازند. بر این اساس، بزه دیده، با اعلام شکایت، قادر به اثبات جرم ارتكابی نخواهد بود و متهم با کسب منافع حاصل از ارتکاب جرم، از بهای پرداختی آن می گریزد. یکی دیگر از تحلیل های

1 - Basic elements.

2 - Risk-oriented analysis.

3 - Suit crimes.

4 - Criminal justice actors.

5 - Visibility of crime.

6 - Criminal evidence.

هزینه - فایده در این بستر، شناسایی مناسب‌های عفو، توسط بزهکاران پایدار است. این مجرمان حرفه‌ای، با توجه به زمان مناسب‌های عفو، زمان ارتکاب جرم خویش را تنظیم می‌کنند. بر این اساس، بزهکاران با کسب منافع حاصل از جرم، تن به حبس‌های کوتاه‌مدت داده و پس از عفو احتمالی، از منافع حاصل از ارتکاب جرم استفاده می‌کنند.

حال با توجه به شاخص‌های نظریه انتخاب عقلانی این آموزه را در بستر جرائم شرکتی بررسی می‌کنیم. نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه جرائم شرکتی نشان می‌دهد که رقم سیاه (نسبت جرائم کشف نشده و کشف شده) این جرائم بسیار بالاست. (slapper et al, 2002, 105) شاید بتوان گفت یکی از دلایل این امر، آن است که بزه‌دیدگان این جرائم تمایل چندانی نسبت به شکایت در قبال جرم ارتکابی علیه خود را ندارند؛ زیرا ثبت شکایت به منزله سلب اعتماد مشتریان خواهد بود؛ بنابراین بالا بودن رقم سیاه جرائم شرکتی، احتمال تعقیب و محکومیت را کاهش می‌دهد و از این رو فرصتی برای ارتکاب جرم به وجود می‌آورد. از طرف دیگر افراد آن‌چنان که خود را در مقابله با جرائم خیابانی مقاوم می‌سازند¹، در مراوده با شرکت‌های تجاری به پیامدهای ناگوار جرائم ارتکابی توسط آنان توجه چندانی نمی‌کنند و از این رو، شرکت‌ها با انتخاب عقلانی و انتخاب آماج مناسب به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهند نمود.

پرونده‌های مذکور در این پژوهش نشان می‌دهد که عمده ضمانت‌اجراهای کیفری در قبال جرائم شرکتی جزای نقدی است. شاید بتوان دلیل این امر را در وضعیت مبهم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی جستجو کرد؛ بنابراین خفیف بودن نوع ضمانت اجرای کیفری نیز می‌تواند یکی دیگر از دلایل ارتکاب جرائم شرکتی بر اساس نظریه انتخاب عقلانی باشد. از طرفی زمانی که شرکت‌های تجاری با رویکردهای هزینه - فایده دریابند که منافع حاصل از ارتکاب جرم بیش از حداکثر جزای نقدی در متون قانونی جنایی است، بستر لازم جهت ارتکاب جرائم شرکتی فراهم می‌شود. جهت تأیید این گفته می‌توان به پرونده‌های Beech-nut و tenet در این پژوهش اشاره نمود؛ بنابراین، شرکت‌های تجاری، با استفاده از رویکردهای هزینه - فایده و نظام‌مند و ارزیابی دقیق راهبرد کم‌ترین هزینه و بیشترین سود، مرتکب جرائم شرکتی می‌شوند.

1 - harden targeting.

نتیجه گیری

جرایم شرکتی گستره بزه‌دیدگی فراوانی دارد و پیامدهای ناگواری را بر نظام اقتصادی بار می‌کند. پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد نرخ مرگ و میرهای ناشی از خشونت شرکتی به مراتب بیش از خشونت‌های خیابانی است؛ اما تصویب قوانینی چون قانون سه ضربه و اخراج¹ حول جرایم خیابانی صورت می‌پذیرد. دلیل این امر را می‌توان در جایگاه متنفذانه شرکت‌های تجاری دانست. شرکت‌های تجاری، بزهکاران دارای پایگاه اجتماعی بالا هستند و گاه نظام جرم‌انگاری را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهند. بدین‌سان که رفتارهای زیان‌بار آنان آماج جرم‌انگاری واقع نمی‌شود. شرکت‌های بزهکار، به‌ظاهر در سازگاری کامل با هنجارهای اجتماعی هستند اما در پس‌ظاهر آراسته، مرتکب شدیدترین جرائم می‌شوند. از این‌رو، بر سیاست‌گذاران جنایی است تا با شناسایی مفهوم جرایم شرکتی، نظام ضمانت‌اجراهای کیفری را در قبال این جرائم توسعه بخشند. سیاست جنایی علمی اقتضای آن دارد که کنش‌گران عدالت کیفری جلوه‌های نهان پدیده‌های بزهکارانه را مورد شناسایی قرار دهند. این امر از طریق جرم‌انگاری جامع این رفتارها و اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری مناسب تضمین می‌گردد. در این بستر ضمانت‌اجراهای کیفری مناسب به پیشگیری کیفری از این جرائم کمک می‌نماید. از آنجا که مرتکبان جرایم شرکتی، بزهکاران یقه‌سفید و صاحب‌منصب هستند، در صورتی که اعمال آنان جرم‌انگاری شده باشد، شیوه برخورد نظام‌های عدالت کیفری با آنان مهربانانه خواهد بود. این امر با یافته‌های جرم‌شناسی انتقادی نیز سازگار است. بر اساس افکار پژوهش‌گران این حوزه، نظام‌های عدالت کیفری نسبت به کشف، تعقیب، محاکمه و اجرای کیفر بزهکاران جرائم قدرتمندان، اکراه دارند (qapanchi et al, 2011, 171) دلیل این امر را می‌توان در روابط پنهان شرکت‌ها و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری جستجو کرد. یکی دیگر از شاخص‌های پیشگیری کیفری، به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. به نظر می‌رسد، این امر هدف وصف‌بازدارندگی کیفر را محقق سازد. در همین راستا و در ماده 20 قانون مجازات اسلامی مصوب 92 "در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده (143) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت

1- از قوانین کشور آمریکا که رویکرد سخت‌گیرانه‌ای در قبال جرائم خشونت بار دارد.

جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست: الف - انحلال شخص حقوقی، ب - مصادره کل اموال، پ - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، ت - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، ث - ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال، ج - جزای نقدی، چ - انتشار حکم محکومیت به‌وسیله رسانه‌ها." به هر ترتیب به نظر می‌رسد با تصویب قانون مجازات و جعل مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، به‌واسطه شاخص بازدارندگی کیفری، از نرخ جرائم دولتی کاسته شود. به موازات پیشگیری کیفری، اتخاذ راهبردهای پیشگیری کنش‌مدارانه نیز به کنترل جرائم شرکتی کمک می‌کند. کاستن از فرصت‌های ارتکاب جرم در پرتو رویکردهای حساب‌گرانه کیفری، اولین راهبرد موجود در این زمینه می‌باشد؛ امری که منجر به شکل‌گیری نظریه پیشگیری وضعی گردیده است. با وجود این، چالش‌های حقوق بشری تدابیر پیشگیری وضعی، هزینه‌بری و جابجایی جرم در اثر استفاده از سازوکارهای این نوع از پیشگیری و ویژگی مسکن‌گونه بودن آن، موجب شده است تا انتقادهایی متوجه این نظریه شود. سازمان‌یافتگی جرائم مختلف از جمله بزه‌های شرکتی، روزآمد شدن راه‌های ارتکاب این جرائم و سبقت‌گیری بزهکاران حرفه‌ای از تدابیر پیشگیری وضعی نیز سازوکارهای این رویکرد را با خلأ مواجه کرده است. به علاوه، این راهبرد پیش‌گیرنده، راه‌حلی در خصوص اصلاح بزهکار ارائه نمی‌دهد. از این رو، به نظر می‌رسد که این نوع پیشگیری در خصوص جرائم شرکتی چندان کارساز نباشد. همان‌طور که مطرح شد، یکی از دلایل اصلی ارتکاب جرم توسط شرکت‌ها فرهنگ جرم‌زای شرکتی است. به نظر می‌رسد توجه شرکت‌ها به فرهنگ قانون‌پذیری در برابر قانون‌گریزی با استفاده از رهیافت‌های پیشگیری اجتماعی می‌تواند نقش مؤثری در کنترل جرائم شرکتی داشته باشد. از این رو و بر اساس شاخص‌های مدیریت رفتار سازمانی می‌توان راهکارهایی جهت پرورش فرهنگ سازمانی ارائه داد که شامل مراحل مختلفی است. این مراحل عبارت‌اند از آموزش قانون - مداری به کارکنان، نظام ارزشیابی عملکرد، اخراج قانون‌شکنان، ارزیابی فرایند پرورش فرهنگ سازمانی و حفظ فرهنگ سازمانی مطلوب. این راهکار علاوه بر آن که هزینه‌بر می‌باشد، مستلزم آن است که مدیران شرکت‌ها به فرهنگ قانون‌پذیری در شرکت اعتقاد راسخ داشته باشند. در غیر این صورت، اجرای این سازوکار در شرکت‌ها محقق نمی‌شود؛ زیرا برخی مدیران با حرص مالی بسیار

و نپذیرفتن چنین راه‌هایی به جرائم خود ادامه می‌دهند. یکی دیگر از دلایل ارتکاب جرم توسط شرکت‌ها ساختار سازمانی پیچیده است. ساختارهای پیچیده شرکتی، این اجازه را به مدیران شرکت‌ها می‌دهد تا به اشکال گوناگون، خواسته‌های نامشروع خود را تحقق بخشند. از این دریچه، ساختار پیچیده شرکتی راهی مناسب جهت ارتکاب جرائم شرکتی است. جهت مقابله با این وضعیت، می‌توان قوانینی را در حوزه تأسیس شرکت‌ها وضع نمود تا شکل‌گیری شرکت‌ها با ساختار سازمانی ساده صورت گیرد. با این اوصاف، به نظر می‌رسد که بهترین نوع پیشگیری در مورد جرائم شرکتی، رویکرد پیشگیری اخلاق‌مدار باشد؛ زیرا نظام پیشگیری مبتنی بر اخلاق، فارغ از حساب‌گری کیفری، سدی در برابر ارتکاب جرم، به شمار می‌رود؛ بنابراین، چنانچه، تحلیل‌های هزینه - فایده، منافع حاصل از ارتکاب جرم را بیش از هزینه‌های آن برآورد کند، سازوکارهای پیشگیری اخلاق‌مدار، مانع ارتکاب جرم می‌شود. بر این اساس، وجود نفس بیدار، پلیس درونی آگاه، درجه خودکنترلی بالا و غلبه بر متغیرهای تسهیل‌کننده ارتکاب جرم، به پیش‌گیری از جرائم این حوزه کمک می‌کند. علاوه بر این، احیای سنت‌های اجتماعی مناسب و بازتولید پیوندهای اجتماعی قوی موجب شکل‌گیری ضمانت‌اجراهای جنایی نارسومی در قالب نظریه شرمساری اجتماعی می‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد که به موازات تقویت علقه‌های اجتماعی و حساسیت جامعه در قبال بزهکاری، نرخ جرائم شرکتی نیز کاهش یابد.

references

- [1] Bhusal, dharma raj. (2009). **economic crime, law and legal practice in the context of Nepal**. kathmandu publication, first publication
- [2] Black.M.A. (1990). **Black's law dictionary**.6th edition,west publishing
- [3] Croall,hazel. (2000). **white collar crime and corporate crimein criminology**.edited by yuane jewkes,sage publication
- [4] CUTS international. (2012). **unfair trade practices and institutional challenges in India**. GIZ publication
- [5] Dekeseredy, walter. (2015). contemporary critical criminology, translated by mehrdad rayejian and hamidreza danesh nari. Tehran, dadgostar pub, second edition. (in Persian)
- [6] Dugan,laura and carole gibs. (2009). **the role of organizational structure in the control of corporate crime and terrorism**. in criminology of white collar crime, edited by simpson sally,springer publication
- [7] Engel,eric. (1999).**extraterritorial corporate criminal liability,a remedy for human rights violations**. S.T john;s journal of legal commentary,vol

- 20:2
- [8] Fleming, peter and c.zyglidopoulos. (2009). **charting corporate corruption**. edward elgar publication
 - [9] Gasan, remon. (2013). **the criminology of economic criminality**. translated by shahram ebrahimi, Tehran, mizan, second edition (in Persian)
 - [10] Gerber, jurg and L.jensen eric. (2007). **encyclopedia of white collar crime**. greenwood press
 - [11] Graboskey. (2009). **globalization in criminology of white collar crime**. edited by simpson sally, springer publication
 - [12] **legal-dictionary.thefreedictionary.com**
 - [13] Mclaughlin, evange, john Muncie. (2001). **the sage dictionary of criminology**. sage publication, first published
 - [14] Melken, david. (2002). **white collar crime**. the oxford handbook of criminology, edited by mill maguire
 - [15] Moor, graldinezott. (2007). **on the aspects of deterring corporate crime**. journal of business and high tech, vol 2 nom 1
 - [16] Nasheri, hedyeh. (2005). **economics spoinage and industrial spying**. Cambridge university press, first published
 - [17] Nash, Melanie and Anderson. (2001). **general strain theory**. criminology journal, vol 101
 - [18] Qapanchi, hesam and hamidreza danesh nari. (2011). **two model of criminal process: crime control and due process**. criminal law doctrine, vol 3, number 4 (in Persian)
 - [19] Saki, mohamadreza. (2010). **economic criminal law**. Tehran, jakgal pub (in Persian)
 - [20] Simpson, sally and david wiesberd. (2013). **the criminology of white collar crime**. translated by hamidreza danesh nari and azade sadeghi, Tehran, majd (in Persian)
 - [21] Simpson, sally. (2002). **corporate crime, law and social control**. Cambridge university press
 - [22] Simpson, sally and david weisburd. (2009). **the criminology of white collar crime**. springr publishing
 - [23] shover,Neal. (1999). **white collar crime**. in the handbook of crime and punishment edited by micheal tony, oxford university press
 - [24] Siegle, larry. (2011). **Criminology**. wadsworth, 4th published
 - [25] Slappe, gary and steve tombs. (2000). **corporate crime, official statistics and the mass media**, in criminology. edited by yuane jewkes, sage publication